

لکن تمام گفتگو در استثنانپذیر بودن آن است. البته در تفسیر آن نیز - همچون کریمه دال بر نفی سبیل - وجوهی قابل تصویر است؛ مثلاً هرگاه گفته شود: اسلام در اقامه حجت، برهان، سلطان و اعجاز مافوق ندارد، یا خبر از تفوق نهایی اسلام بر سایر ادیان و دین واره ها باشد، قهراً اجنبی از تعیین مورد بحث خواهد بود.

نسبت به وجه پنجم باید گفت:

بدون تردید جریان کاپیتولاسیون - به ویژه در کشورما - با تحقیر و اذلال کشور پذیرنده و استکبار و استعلائی کشور برخوردار بوده است و نوعی عدم اعتنا و رسمیت ندادن به نظام قضایی کشور پذیرا بوده است، لکن این وضعیت در ذات این نهاد نیست؛ مثلاً هرگاه نظام قضایی یک کشور فاقد رویه ثابت قضایی یا غیر مطمئن در اجرای عدالت با سرعت مناسب باشد، یا این امتیاز در قالب یک بده بستانی صورت پذیرد، یا به هر دلیلی مصلحت یا مصالحی بر این کار مترتب باشد، وجه پنجم موضوعاً یا حکماً منتفی است.

#### نتیجه تحقیق:

حاصل تحقیق این است:

- مصونیت قضایی در قالب کاپیتولاسیون می تواند از پایگاه شرعی برخوردار باشد، هرچند فقه و شریعت از آن چه تاکنون به این نام جاری شده یا احیاناً و به ندرت در جریان است، دفاع نمی کند.
- مسأله از مسائل سیاسی اجتماعی است و تصمیم در مورد اصل و گستره آن مبرر اعطای این امتیاز به دیگران است.

در گذشته در موارد مشابه از نهاد، ابزار و دلیل تشخیص مصلحت صحبت شده و نیازی به تکرار آن نیست.

#### تفاوت حقوق و اختیارات کشور پذیرا قبل از عقد کاپیتولاسیون و بعد از آن

واضح است که گفتگوی ما از مشروعیت این نهاد قبل از هرگونه عقد و عهد است و الا اگر به هر دلیل این امتیاز داده شد، نمی توان به راحتی آن را نادیده گرفت و همچون زمان قبل از اعطای رفتار کرد.

و این که گفته شود: وقتی این امتیاز در اصل یا در ادامه لغو و غیر مشروع بود، تعهدی نسبت به آن - حتی بعد از عقد و عهد - ایجاد نمی کند و حکم یکسان در هر دو فرض بر آن جاری است، قابل قبول نیست. ما در "کتاب فقه و حقوق قراردادهای / ادله عام قرآنی" در ضمن گفتگو از قاعده نفی سبیل، به این بحث پرداخته ایم.<sup>۱</sup>

۱. ص ۴۶۴ و ۴۶۵.

ضمناً بر فرض ممنوعیت کاپیتولاسیون آنچه ممنوع است، اعطای آن به غیر است؛ لکن گرفتن آن از دیگران منع شرعی ندارد.

به نکته مهم دیگری که باید اشاره کرد این است:

مشروعیت اعطای کاپیتولاسیون به معنای جواز عبور از برخی ضوابط شرعی نیست. مثلاً نمیتوان قضاوت کنسولی قاضی غیر جامع شرایط را پذیرفت. پس آنچه در کاپیتولاسیون مطرح است، عدم قضاوت و واگذاری آن به دیگران است؛ نه تثبیت قضاوت های غیر جامع شرعی و ترتیب اثر بر آن. فتامل.

#### ۶. مصونیت کیفری پناهنده به حرم مکی یا و برخی اماکن مقدس دیگر

بر اساس دیدگاه مشهور فقیهان، مجرمی که در خارج از «حرم مکی» مرتکب جرم می شود، سپس به این مکان پناهنده شود، تا زمانی که در حرم ساکن است، مصون از مجازات است و نسبت به سایر اماکن مقدس یا نسبت به خصوص حرم امام حسین علیه السلام بحث و اختلاف است.

مناسب است قبل از همه، نصوص مرتبط مطرح گردد و در ادامه جزئیات مساله مورد واکاوی قرار گیرد.

- در قرآن کریم آمده است: فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا<sup>۲</sup>

ضمیم «فیه» به «اول بیت» بر می گردد و به حسب ظهور اولی آن منظور «کعبه» مقدس است. آیات دیگری نیز متناسب با این مقصد در قرآن وجود دارد مثل آیه ۱۲۵ و ۱۲۶ از سوره مبارکه بقره؛ آیه ۳۵ از سوره مبارکه ابراهیم؛ آیه ۳ از سوره مبارکه تین و ...

- در روایات ذیل آیه کریمه نیز آمده است:

۱. علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: «و من دخله کان آمناً» البیت عُنی ام الحرم؟ قال: من دخل الحرم من الناس مستجیراً به فهو آمن من سخط الله و من دخله من الوحش و الطیر کان آمناً من أن یهاج أو یؤذی حتی یخرج من الحرم.
۲. علی بن ابراهیم، عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي عن ابی عبدالله علیه السلام قال: سألته عن قول الله عزوجل: «و من دخله کان آمناً»؟ قال: إذا احدث العبد فی غیر الحرم جنایة ثم فرّ الی الحرم لم یسع لاحد أن يأخذه فی الحرم ولكن یمنع من السوق و لا یبایع و لا یطعم و لا یسقی و لا یکلم، فانه إذا فعل ذلك به یوشک أن یخرج فیؤخذ و اذا جنی فی الحرم جنایة اقیم علیه الحد فی الحرم لانه لم یدع للحرم حرمة.
۳. محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن الحسن بن سعید عن القاسم بن محمد عن علی بن ابی حمزة عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن قول الله عزوجل: «و من دخله کان آمناً»؟ قال: ان سرق سارق بغير مكة او جنی جنایة علی نفسه ففر الی مكة لم یؤخذ مادام فی الحرم حتی یخرج منه ولكن یمنع من السوق و لا یبایع و لا یجالس حتی یخرج منه فیؤخذ و إن احدث فی الحرم ذلك الحدث أخذ فیه.<sup>۳</sup>

دو روایت اول از سند صحیح برخوردار است و روایت سوم به دلیل حضور قاسم بن محمد جوهری از واقفیه و علی بن ابی حمزه از سران این فرقه موثقه است. دلالت این روایات بر توسعه متعلق حکم به غیر کعبه و اطراف آن واضح است؛ هر چند امام - علیه السلام - تصریح به توسع مدلول آیه به حرم نکرده اند. دقت شود.

۲. آل عمران (۳): ۹۷.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۲۶ و ۲۲۷.